

## بررسی تاکتیک‌های به کار رفته در جنگ ایران و عراق و تأثیر آن در روند جنگ؛ مطالعه موردی: عملیات والفجر هشت

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۱/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۲۰

کد مقاله: ۷۳۱۰۱

امید حبیبی فر<sup>۱</sup>، کاظم میقانی<sup>۲</sup>

### چکیده

در دوران جنگ بین ایران و عراق که از سال ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۸ به طول انجامید، هر دو طرف از تاکتیک‌های مختلف جنگی بهره‌بردند که به طور مستمر در تحولات میدانی نقش داشتند. یکی از تاکتیک‌های اصلی ایران در این جنگ، بهره‌گیری از جنگ نامنظم و حملات ناگهانی بود. با استفاده از این تاکتیک، ایران توانست با شکستن الگوی جنگ منظم عراقی‌ها و ایجاد نگرانی و ترس در سپاهیان عراقی، به نفع خود از این روش بهره‌مند شود. در مقابل، عراق نیز از تاکتیک‌های مختلفی برای مقابله با نیروهای ایرانی استفاده کرد، از جمله استفاده از تکتیک‌های جنگ جبهه‌ای و حملات هوایی گسترده. این تاکتیک‌ها، در برخی موارد، باعث ایجاد فشار شدید بر روی نیروهای ایرانی و توجه آنان را از هدف اصلی کشور، یعنی اشغال ترابری، منحرف می‌کرد و در نتیجه به روند جنگ تأثیرگذار بود. عملیات والفجر هشت یکی از مهمترین عملیات دوران دفاع مقدس به شمار می‌رود. چرا که در آن موفقیتی حاصل شد و جنگ بعد از آن از حالت فرسایشی خارج گردید. هدف ما از مطالعه بر روی این عملیات بسیار مهم، روشن نمودن ابعاد این عملیات از نظر سیاسی و نظامی بوده است. در واقع ما در این پژوهش به دنبال بررسی تاکتیک‌های به کار رفته در این عملیات و تأثیر سیاسی- نظامی این عملیات بر معادلات بین‌المللی و روند جنگ هستیم. در این پژوهش علاوه بر اهداف ذکر شده به بررسی نقش افراد مهم در این عملیات و نیز جغرافیای منطقه عملیاتی نیز پرداخته ایم. پژوهش حاضر از نوع پژوهش‌های تاریخی بوده و با روش توصیفی- تحلیلی با تکیه بر روش کتابخانه‌ای نگارش یافته است.

واژگان کلیدی: دفاع مقدس، عملیات والفجر هشت، جنگ تحمیلی

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد، رشته تاریخ، دانشگاه خوارزمی

۲- استاد دانشگاه، رشته تاریخ، دانشگاه خوارزمی

با پیروزی انقلاب اسلامی در بهمن ماه ۱۳۵۷ در ایران، استکبار جهانی به رهبری ایالات متحده آمریکا شروع به دسیسه چینی علیه میهن عزیزمان ایران نمودند. ایالات متحده که مهمترین پایگاه خود را در خاورمیانه از دست داده بود با همکاری دیگر کشورهای غربی و عربی برای به دست آوردن مجدد پایگاه اصلی خود در منطقه یعنی ایران، از هیچ کوششی برای نابودی انقلاب اسلامی و یا وادار کردن آن به تسلیم در برابر خود فروگذار نکرد. این دسیسه چینی‌ها شامل ترور شخصیت‌ها، تقویت گروهک‌های مختلف در داخل، تقویت گروهک‌های تجزیه طلب در مناطق مختلف کشور، جنگ، تحریم و ... می‌شد.

یکی از مخرب‌ترین ضرباتی که ایالات متحده به مردم انقلابی ایران وارد کرد تشویق صدام حسین رئیس حزب بعث عراق برای شروع جنگی تمام عیار علیه جمهوری اسلامی ایران بود. حمله‌ی رژیم بعث عراق در شهریور ۱۳۵۹ به جمهوری اسلامی ایران به دلیل نوپا بودن انقلاب و به هم ریختگی ارتش و مسلح نشدن سپاه و بسیج باعث پیشروی سریع نیروهای عراقی در خاک ایران شد. از طرفی در داخل کشور به دلیل عدم هماهنگی رئیس جمهور بنی صدر با اهداف انقلاب و نیروهای انقلابی و اتحاد او با منافقین (مجاهدین خلق) بر علیه نیروهای انقلابی باعث آشفتگی سیاسی شده بود. با این وجود دفاع مردم نواحی مرزی و حضور نیروهای حزب الهی تا حدودی جلو پیشروی دشمن را گرفت. مقاومت این نیروها به گونه‌ای بود که تا ۳۵ روز از دست یابی نیروهای عراقی بر خرمشهر و تسلط کامل بر آبادان جلوگیری کردند، بعد از این مرحله چند عملیات کلاسیک توسط ارتش به رهبری بنی صدر برای آزادسازی مناطق اشغالی در تاریخ ۲۳ مهر، ۱۵ دی و ۲۰ دی ماه ۱۳۵۹ انجام گرفت که به دلیل استفاده از شیوه‌ی کلاسیک نتیجه‌ای در پی نداشت و با شکست رو به رو بود.

بنی صدر پس از این عملیات‌ها تصمیم داشت جنگ را به داخل کشور بکشاند و به ظاهر ادعا می‌کرد که از روش ساسانیان در جنگ استفاده می‌کند اما این روش در عصر حاضر جواب‌گو نبود، البته هدف او از اتخاذ این روش واگذاری خوزستان به دشمن بود. با برکناری بنی صدر توسط مجلس شورای اسلامی و تأیید امام خمینی و سرکوب حامیان او یعنی مجاهدین خلق (منافقین) زمینه برای ورود نیروهای انقلابی به صحنه‌ی سیاسی و نظامی کشور آماده شد. با روی کار آمدن نیروهای انقلابی در مدت ۹ ماه از اول مهر ۱۳۶۰ تا پایان خرداد ۱۳۶۱ بیشتر نواحی اشغال شده توسط رژیم بعث عراق در خاک ایران آزاد شدند. اولین عملیات در ۵ مهر ۱۳۶۰ با عنوان عملیات ثامن الائمه در شهر آبادان با هدف شکستن محاصره‌ی آبادان انجام شد که تمام اهداف عملیات محقق شد و حصر آبادان شکسته شد. این عملیات و عملیات بعدی تا فتح خرمشهر یعنی عملیات بیت المقدس همگی با مشارکت ارتش و سپاه صورت گرفت که معمولاً از شیوه‌ی کلاسیک کمتر استفاده می‌شد.

عملیات بعدی عملیات طریق القدس در ۸ آذر ۱۳۶۰ انجام شد که منجر به آزاد سازی شهر بوستان شد.

در ابتدای سال ۱۳۶۱ عملیات فتح المبین انجام گرفت که در مقایسه با عملیات قبلی (طریق القدس) از وسعت بیشتری برخوردار بود این عملیات در غرب کرخه و با موفقیت انجام شد که برخی از کارشناسان از این عملیات به عنوان پیچیده‌ترین تلاش ایران که خفت بارترین شکست را نصیب عراق کرده است، یاد کردند. از ویژگی‌های مهم این عملیات افزایش حضور نیروهای مردمی و گسترش سازمان رزم سپاه بود. بعد از این عملیات کشورهای عربی و اسرائیل وحشت‌زده از این ماجرا از آمریکا تقاضای کمک‌های تسلیحاتی بیشتر برای عراق کردند. دولت آمریکا نیز واین برگر وزیر دفاع خود را برای رایزنی و مذاکره به کشورهای عرب منطقه فرستاد تا تسلیحات بیشتری به این کشورها بفروشد، از این زمان به بعد آمریکا ایران را به عنوان تهدیدی برای کشورهای عربی منطقه جا انداخت و همواره به دنبال دوشیدن آنها با فروش تسلیحات به ایشان بود.

عملیات بسیار مهم ایران که بعد از عملیات فتح المبین رخ داد عملیات فتح خرمشهر یا بیت المقدس بود، نام این عملیات به این دلیل بیت المقدس گذارده شد که همزمان با این عملیات رژیم صهیونیستی در حال تهدید جنوب لبنان و حمله به آن ناحیه بود. در عملیات بیت المقدس امکان غافلگیری دشمن وجود نداشت، زیرا در جنوب کشور تنها ناحیه‌ای که هنوز در دست دشمن قرار داشت همین ناحیه‌ی خرمشهر بود، بنابراین دشمن کاملاً هوشیار بود. در این عملیات ارتش بر اساس تفکر کلاسیک معتقد بودند که تمرکز اصلی نیروها باید بر روی جاده‌ی اهواز- خرمشهر باشد. اما بر اساس نظر فرماندهان سپاه عملیات باید از ناحیه‌ای انجام شود که دشمن بر اساس تفکر کلاسیک قادر به پیش بینی آن نباشد، بنابراین عملیات بر اساس نظر نیروهای سپاه با عبور از رودخانه‌ی کارون و تصرف جاده‌ی اهواز- خرمشهر صورت گرفت. این عملیات در چهار مرحله و در دهم اردیبهشت سال ۱۳۶۱ اجرا شد و به پیروزی رسید. در این عملیات ۱۹ هزار نفر از نیروهای دشمن به اسارت قوای ایران درآمد و غنایم زیادی از دشمن نصیب نیروهای خودی شد. فتح خرمشهر نتایج سیاسی و نظامی فراوانی داشت. بسیاری از متحدان خارجی مدام فکر می‌کردند صدام با حفظ خرمشهر می‌تواند فرصت کافی را برای بازسازی خطوط دفاعی خود به دست خواهد آورد اما عبور سریع نیروهای ایرانی از کارون و آزادسازی خرمشهر امیدهای متحدان صدام حسین را نا امید کرد و بسیاری از کشورهای متحد او به کارایی سیاسی وی شک کردند و شکست کامل و سقوط صدام را محتمل می‌دانستند زیرا از نظر نظامی اجرای چهار عملیات موفقیت‌آمیز

طی ۸ ماه نشان دهنده‌ی تجدید قوای نظامی ایران و ناتوانی عراق برای دفاع از مواضع و استحکامات خود و سقوط احتمالی رژیم عراق ارزیابی می‌شد. (درودیان، ۱۳۸۳)

## ۲- عملیات والفجر مقدماتی

از نظر فرماندهان ایرانی تصرف بصره و بغداد دو هدف استراتژیک محسوب می‌شد. تصرف بصره یک هدف میان مدت و تصرف بغداد یک هدف بلند مدت محسوب می‌شد. پیش بینی می‌شد تصرف بصره با دو یا سه عملیات و تصرف بغداد با انجام چند عملیات واسط قابل دستیابی باشد. اجرای عملیات والفجر مقدماتی نیز در جهت قطع ارتباط شهر العماره با بصره و تصرف زمین‌های بسیار مهم این نواحی برای اجرای عملیات به منظور تصرف شهر بصره در آینده انجام گرفت. البته محور کوت تا العماره نیز محوری مهم برای تصرف بغداد در آینده محسوب می‌شد و از نظر استراتژیک بسیار اهمیت داشت. در واقع انجام عملیات در منطقه‌ی فکه قدمی به سمت دو هدف استراتژیک جنگ (تصرف بصره و بغداد) بود و مهمترین هدف این عملیات رسیدن به پل غریله بود. از طرفی هدف دیگر انجام این عملیات این بود که از تمرکز قوای دشمن در شرق بصره کاسته شود و دشمن فکر کند که ایرانی‌ها از این ناحیه چشم پوشی کرده‌اند. (اردستانی، ۱۳۸۷، ۴۰)

این عملیات در ۱۷ بهمن ماه ۱۳۶۱ آغاز شد. مرحله‌ی اول عملیات به دلیل وجود موانع فراوان مانند سیم‌های خاردار، میدان‌های مین گسترده دور خوردن نیروها و نبود نور ماه و رملی بودن زمین با موفقیت اجرا نشد و مرحله‌ی دوم نیز به دلیل هوشیاری دشمن و لو رفتن عملیات با شکست مواجهه شد و تلفات سنگینی به نیروهای خودی وارد آمد. (اردستانی، ۱۳۸۷، ۴۶)

## ۲-۱- عملیات والفجر ۱

این عملیات بر اساس نظر فرماندهان ارتش صورت گرفت و در پی عملیات والفجر مقدماتی که با شکست مواجه شد، نیروهای ارتش به جای عملیات غیر کلاسیک سپاه نوعی عملیات کلاسیک طرح ریزی کردند که این بار به جای جنوب فکه این عملیات از شمال فکه در ارتفاعات حمیرین و بجلیه و سمیده آغاز شد. این نواحی برعکس نواحی جنوب فکه، زمین دارای عوارض بود. که در این شرایط نیروهای خودی می‌توانستند پشت عارضه‌های زمین پناه بگیرند. شعار این عملیات (آتش به جای خون بود) که باعث اعتراض برخی از فرماندهان سپاه همچون شهید همت شد. از نظر بعضی از فرماندهان این طرح به معنی به کار بردن آتش سنگین توسط نیروهای خودی برای باز کردن و شکستن خط دشمن در دو یا سه مرحله و نفوذ نیروهای خودی از آن ناحیه بود. این شیوه مبتنی بر طرح کلاسیک بود که در اوایل دوران دفاع مقدس از آن استفاده شد و نتیجه‌ای در بر نداشت، در این روش بیشتر بر روی استفاده از آتش سنگین تأکید می‌شد در حالی که تجهیزات دشمن بسیار قوی‌تر از تجهیزات خودی بود. (اردستانی، ۱۳۸۷، ۴۶ تا ۵۵).

این عملیات در ۲۰ فروردین سال ۱۳۶۱ به فرماندهی علی صیاد شیرازی انجام شد. ۱۵۰۰ کیلومتر مربع از خاک دشمن آزاد گردید با این وجود نتیجه‌ی چندانی نصیب نیروهای خودی نشد. بعد از عدم موفقیت در عملیات والفجر مقدماتی و والفجر یک انجام یک سلسله عملیاتی در غرب کشور تحت عنوان والفجر ۲ و ۳ و ۴ در دستور کار قرار گرفت. ویژگی این عملیات‌ها به کارگیری نیروی اندک در این عملیات‌ها بود چرا که با این روش هم آمادگی نیروها در جبهه‌ها حفظ می‌شد و از فرسایش نیروها جلوگیری می‌شد و از طرفی هم فرصت کافی برای ترمیم یگان‌ها و کادرسازی و جذب نیرو برای اجرای عملیاتی مهم فراهم می‌شد.

## ۲-۲- عملیات والفجر ۲

این عملیات در ۲۹ تیر ۱۳۶۲ آغاز شد. این عملیات در غرب پیرانشهر در مرز ترمچین رخ داد. هدف از این عملیات تصرف ارتفاعات و سرکوب پادگان حاج عمران و همچنین آزادسازی شهر چومان مصطفی بود که همه‌ی هدف‌های عملیات با موفقیت به دست آمد.

## ۲-۳- عملیات والفجر ۳

عملیات والفجر ۳ در شرق شهر مهران انجام گرفت که هدف از این عملیات آزادسازی ارتفاعات زالوآب، نمه کلان بو، پاسگاه دوراجی تا فرخ آباد و ارتفاعات قلعه آویزان تا قلعه‌ی ۱۷۵ بود که بیشتر این اهداف محقق شد و جاده‌ی مهران به دهلران کاملاً آزاد شد. با انجام این عملیات در منطقه‌ی مهران دشمن میزان فشار خود را در منطقه‌ی والفجر ۲ کاهش داد.

## ۴-۲- عملیات والفجر ۴

این عملیات در شمال غربی شهر مریوان و جنوب غربی شهر بانه رخ داد. اهداف این عملیات تصرف ارتفاعات لری، سورکوه، شیخ گز نشین، کنگرگ، کانی مانگا و شهر پنجوبین بود که تمامی ارتفاعات نام برده در طول عملیات والفجر ۴ که در ۲۷ مهر ۶۲ آغاز شد، آزاد شدند. اما شهر پنجوبین به طور کامل آزاد نشد.

## ۵-۲- جنگ نفتکشها

بعد از فتح خرمشهر حمایت آمریکا، غرب و کشورهای عربی از رژیم بعث عراق شکل تازه‌ای به خود گرفت و این حمایت‌ها شدت بیشتری یافت. آمریکا در این برهه ادعا می‌کرد که بی‌طرف است. اما کاملاً از صدام حمایت می‌کرد و بعدها این حمایت کاملاً آشکارا صورت می‌گرفت و دولت مردان آمریکایی به آن اذعان داشتند. در این زمان آمریکایی‌ها صدام را تشویق می‌کردند که برای تحت فشار قرار دادن ایران باید منابع نفتی ایران را مورد هدف قرار دهد، به همین خاطر صدام نیز با استفاده از هواپیماهای سوپر اتاندارد و موشک‌های کشورهای غربی، جزیره‌ی خارک که مرکز صادرات نفت ایران به شمار می‌رفت و همچنین نفتکش‌های حامل نفت ایران را مورد حمله قرار داد. ایران نیز در برابر تهدیدات و حملات عراق در خلیج فارس علیه مراکز نفتی و حمله به نفتکش‌ها اعلام کرد در صورتی که ایران از صدور نفت محروم شود تنگه‌ی هرمز را خواهد بست. و این موضوع زمینه‌ی مساعدی برای پیشبرد اهداف آمریکا در خلیج فارس را فراهم کرد و نزدیک به یک سال مورد تبلیغات گسترده‌ی رسانه‌ای قرار گرفت. هدف عراق از حمله به تأسیسات نفتی و نفتکش‌ها فشار به ایران و کشورهای غربی و عربی برای ورود به جنگ و بین‌المللی کردن جنگ بود. زیرا میزان صادرات نفت عراق بسیار کاهش یافته و درآمدهای این کشور نیز به طبع کم شده بود و امکان ادامه جنگ برایش مقدور نبود. همه‌ی این عوامل باعث فشار به ایران از طریق حمله به نفتکش‌ها شده بود. کاهش صادرات نفت عراق به دلیل قطع لوله‌ی انتقال نفت این کشور از طرف دولت سوریه بود. جنگ نفتکش‌ها در دوران عملیات خیبر و بدر نیز ادامه پیدا کرد.

## ۶-۲- عملیات خیبر

بعد از عملیات والفجر مقدماتی و والفجر یک فرماندهان نظامی متوجه شدند که با شرایط موجود نمی‌توان بر دشمن پیروز شد و یا حداقل پیروزی به دست آورد زیرا دشمن بعد از فتح خرمشهر منطقه مرزی استراتژیک را مسلح کرده و یگان‌های نظامی خود را تقویت نموده و از نظر تسلیحات نیز به واسطه‌ی کشورهای غربی کاملاً تجهیز شده بود. در چنین شرایطی نیروهای خودی یا باید تجهیزات و یگان‌های بیشتری در اختیار می‌گرفتند و یا در زمینی می‌جنگیدند که امکان ابتکار عمل را داشته باشند و دشمن کمتر بتواند در آن منطقه پدافند کند، از آنجا که نیروهای خودی یگان زرهی مجهزی نداشتند. بنابراین نیاز به منطقه‌ای بود که دشمن نتواند از یگان زرهی خود به عنوان برگ برنده استفاده کند و نیروهای خودی نیز که بیشتر تکیه‌ی شان بر روی یگان‌های پیاده بود بتوانند در آن ناحیه به شکل مؤثری عمل کنند. بنابراین فرماندهان سپاه منطقه‌ی هور الهویزه یا همان هورالعظیم را به عنوان منطقه‌ی عملیات آینده انتخاب کردند. این منطقه به دلیل کمبود نیروهای پدافند عراق و عدم توان دشمن برای استفاده از نیروهای زرهی به عنوان منطقه‌ی عملیاتی انتخاب شد.

در عملیات خیبر تا حدودی تفکیک بین ارتش و سپاه انجام شد و مقرر شد که سپاه در ناحیه‌ی خود و ارتش در منطقه‌ی زید عمل نمایند به دلیل این شرایط به وجود آمده می‌بایست یک ستاد فرماندهی مشترک بین ارتش و سپاه ایجاد می‌شد، که در نهایت سبب شد ستاد فرماندهی خاتم‌الأنبیا به وسیله‌ی نیروهای سپاه و ارتش تشکیل شد و امام خمینی نیز آیت‌الله هاشمی رفسنجانی را به عنوان فرماندهی این ستاد انتخاب کرد.

ده روز پیش از انجام عملیات خیبر سه عملیات فریب در جبهه‌های شمالی، میانی و جنوب شرقی صورت گرفت، این سه عملیات عبارت بودند از:

۱. عملیات تحریرالقدس در ۲۱ بهمن ۱۳۶۲ در منطقه‌ی سد در بندرخان
  ۲. عملیات والفجر ۵ در ۲۶ بهمن ۱۳۶۲ در منطقه‌ی چنگوله
  ۳. عملیات والفجر ۶ در ۳ اسفند ۱۳۶۲ در منطقه‌ی چیلان واقع در نزدیکی دهلران
- تا قبل از عملیات خیبر دولت عراق و رسانه‌های حامی آن اعلام می‌کردند که توانایی دفع هرگونه حمله‌ی ایران را دارند. هم‌زمان با انجام عملیات خیبر اتفاقاتی در صحنه‌ی بین‌المللی و داخلی رخ داد که عبارت بودند از:
۱. اعلام حمایت آشکار دولت آمریکا از عراق و اعلام نگرانی از پیش‌روی ایران در خاک عراق
  ۲. تحویل هواپیماهای سوپر اتاندارد فرانسوی به عراق
  ۳. تصویب قطع‌نامه‌ی ۵۴۰ توسط شورای امنیت در مورد جنگ
  ۴. انفجار مقر تفنگداران آمریکایی در بیروت

اجرای مانور آزادسازی قدس در سراسر کشور و راهی شدن بسیجیان به جبهه‌ها که باعث تقویت سازمان رزم سپاه شد. در منطقه‌ی هور عراقی‌ها فکر نمی‌کردند که ایرانی‌ها دست به حمله در این ناحیه بزنند به همین دلیل یگان‌های کمتری از این ناحیه دفاع می‌کردند و حمله به این ناحیه باعث غافلگیری دشمن می‌شد.

بالاخره در سوم اسفند ۱۳۶۲ ساعت ۲۱/۳۰ عملیات خیبر آغاز شد در این عملیات در شمال یگان‌ها بر روی چهار هدف متمرکز شده بودند، یکی از یگان‌ها بر روی منطقه‌ی العزیز، یگان دوم بر روی منطقه‌ی قرنه و یگان سوم بر روی جزایر مجنون متمرکز شده بودند. و از طرفی یکی از یگان‌ها وظیفه داشت با آزادسازی طلائیه با یگان سوم در جزیره‌ی مجنون ملحق شود. در منطقه‌ی زید نیز نیروهای ارتش می‌بایست تک کنند که با موفقیت همراه نبود و یگان‌ها در این منطقه به عقب برگشتند. در شمال نیز یگان اول و دوم که در محور العزیز و قرنه تک می‌کردند موفق شدند به اهداف خود برسند اما به دلیل تأخیر در پاک سازی جزایر مجنون و عدم الحاق نیروها از سمت طلائیه به نیروهای جزیره و نبود عقبه‌ی مناسب برای حفظ مناطق آزاد شده این دو یگان نیز به داخل جزیره شمالی عقب نشینی کردند. از این پس جزایر مجنون به محل کشمکش بین دو طرف تبدیل شد. برای رساندن نیرو و تجهیزات به خط در جزایر مجنون چندین بار تلاش‌هایی صورت گرفت تا محور زمینی طلائیه آزادسازی شود اما تلاش‌های انجام شده موفقیت آمیز نبود. بنابراین برای رساندن نیرو و تجهیزات به جزایر از هوانیروز استفاده می‌شد که جوابگوی نیروهای در خط برای مقاومت نبود. نیروهای دشمن برای تصرف جزایر ۷۲ ساعت جزایر را زیر شدیدترین آتش قرار داد به طوری که در طول این ۷۲ ساعت حدود یک میلیون گلوله‌ی توپ و خمپاره شلیک کردند و از طرفی از بمب‌های شیمیایی نیز استفاده نمودند.

امام خمینی طی فرمانی گفتند که: جزایر حتماً باید نگه داشته شوند، هر طور که شده. با صدور این فرمان امام روحیه‌ی فرماندهان و رزمندگان بیشتر شده و با تمام توان در برابر حملات بی‌امان دشمن بعضی مقاومت کردند. تا اینکه بعد از ۷۲ ساعت مقاومت در برابر آتش بی‌امان دشمن نتیجه حاصل شد و جزایر مجنون حفظ شدند. (اردستانی، ۱۳۸۷، ۸۸ تا ۹۳)

در ابتکار شناسایی و برنامه ریزی این عملیات می‌توان از شهید حسن باقری قبل از شهادت و ادامه‌ی آن توسط علی هاشمی نام برد در این عملیات افرادی همچون ابراهیم همت، حمید باکری، تقی یاقچیان به شهادت رسیدند. (حبیبی، ۱۳۸۳، ۹۲ تا ۹۵)

عملیات خیبر از نظر نظامی بسیار با اهمیت بود چرا که دیوار دفاعی عراق را که بعد از فتح خرمشهر رزمندگان ما در پشت خود نگه داشته بود در طی این عملیات فرو ریخت و جنگ از حالت رکود خارج شد. از نظر سیاسی و اقتصادی نیز آزادسازی این منطقه به دست رزمندگان ایرانی ضربه‌ی بزرگی برای دولت عراق محسوب می‌شد، چرا که جزایر مجنون از نظر ژئوپولیتیکی بسیار با اهمیت بود و به دلیل داشتن ذخایر عظیم نفت از نظر اقتصادی نیز بسیار مهم بود طبیعی بود که وجود این ناحیه در دست ایران همچون برگ برنده‌ای در دست ایران برای مذاکرات سیاسی محسوب می‌شد. (اردستانی، ۱۳۸۷، ۹۴)

عملیات خیبر برای آمریکایی‌ها تهدید بزرگی برای منافع‌شان در منطقه محسوب می‌شد. چرا که آمریکایی‌ها تصور می‌کردند با تجهیز قوای ارتش بعث عراق و کمک‌های تسلیحاتی و اطلاعاتی به عراق بعد از فتح خرمشهر، ایرانیان دیگر قادر به شکستن دیواره‌ی دفاعی عراق نیستند و این عملیات نشان داد تا چه حد ارتش عراق ضربه پذیر است. آمریکایی‌ها می‌دانستند که نتیجه‌ی جنگ نباید با شکست عراق به پایان برسد به همین دلیل دولت ریگان در این راستا دست به اقداماتی زد که از جمله‌ی آن می‌توان حمایت اطلاعات از عراق و تشویق کشورهای غربی مثل فرانسه برای دادن تسلیحات به عراق و همچنین منع فروش تسلیحات به ایران را نام برد.

از طرفی هم با فرستادن راسفلد و ریچارد مورفی به کشورهای حوزه‌ی خلیج فارس خطر پیروزی ایران در این جنگ به مقامات این کشورها را گوشزد کرد. (اردستانی، ۱۳۸۷، ۹۵)

دولت عراق نیز با مشاهده‌ی وضع جدیدی که در آن قرار گرفته بود و تمام تاکتیک‌های دفاعی به کار رفته را در برابر نبوغ و ابتکار نظامی ایرانی‌ها بی‌فایده می‌دید، دست به یک سری اقدامات عجولانه‌ای زد که عبارت‌اند از:

۱. هشدار به کشورهای غرب خلیج فارس در مورد خطر ایران
  ۲. تهدید ایران و دعوت از سازمان‌های بین‌المللی برای پایان جنگ
- تلاش برای بین‌المللی کردن جنگ، دولت عراق به دلیل کاهش توان مالی بر اثر کاهش فروش نفت قادر به ادامه‌ی جنگ نبود. بنابراین تصمیم گرفت تا با زدن کشتی‌ها و نفت‌کش‌های حامل نفت ایران و همچنین زدن بنادر ایران مثل بندر خارک که محل صادرات نفت ایران بود، ایران را وادار به عکس‌العمل نماید و با درک تأثیر نفت بر صنایع غرب با مختل شدن محور انتقال نفت به اروپا که با بستن خلیج فارس توسط ایران اتفاق می‌افتاد، دولت‌های غربی و ابرقدرت را وادار به دخالت در منطقه و جنگ کند.

۱. بمباران شیمیایی
۲. حمله به مناطق مسکونی

عملیات خیبر از نظر نظامی دارای برجستگی‌های زیادی بود که مورد توجه منابع غربی قرار گرفت از جمله مهمترین این ویژگی‌ها عبارتند از:

۱. ابتکار عمل توأم با شجاعت و کیفیت رزمی
  ۲. استفاده از نقاط ضعف عراق
  ۳. مقاومت و استفاده‌ی گسترده از هوایروز
- از دیگر ویژگی‌های تحسین برانگیز این عملیات می‌توان به انتخاب هور الهویزه یا هورالعظیم به عنوان منطقه‌ی عملیاتی و همچنین استفاده از پل شناور ۱۲ کیلومتری بر روی هور نام برد. خبرگذاری فرانسه در سوم فروردین ۱۳۶۳ در این باره گزارش داد: «به گفته مقامات آمریکایی دست یازیدن به پل قایقی با چنین طولی در تاریخ نظامی مدرن بی‌سابقه است» (اردستانی ۱۳۸۷، ۱۰۵ و ۱۰۶)

هرچند منطقه‌ی جزایر مجنون مناطق بسیار مهمی بود اما عملیات خیبر نتوانست پیروزی مهم و استراتژیکی را نصیب نیروهای ایرانی گرداند و کشورهای غربی و آمریکا و عراق را تحت فشار قرار دهد تا شرایط ایران را بپذیرند و جنگ به پایان برسد به همین دلیل فشارهای آمریکا بر ایران افزایش یافت و بیش از گذشته به حمایت از عراق پرداخت.

### ۳. عملیات والفجر هشت

بعد از عملیات خیبر و بدر که دو عملیات گسترده در خاک عراق محسوب می‌شد هنوز تغییری در سیاست عراق و سازمان ملل و همچنین کشورهای قدرتمند دیده نمی‌شد. زیرا هدف ایران بعد از فتح خرمشهر گرفتن یک پیروزی بزرگ از دشمن بود و می‌خواست با تکیه بر این پیروزی دولت عراق را مجبور به دادن امتیاز به ایران کند و از طرفی هم سازمان ملل و قدرت‌های بزرگ را تحت فشار قرار دهد تا عراق را به عنوان متجاوز شناخته و این کشور را مجبور به پرداخت خسارات وارده کند. این مهم نیازمند یک پیروزی مهم و استراتژیک بود که تا زمان مورد بحث هنوز حاصل نشده بود. بنابراین در تابستان سال ۶۴ تصمیم به انجام یک عملیات گسترده در فاو گرفته شد اما قبل از آن تصمیم فرماندهان سپاه بر این شد که در تابستان همان سال یک رشته عملیات محدود در سراسر خطوط مرزی بین ایران و عراق اجرا شود. بعد از اجرای این عملیات‌های محدود نیروهای سپاه به شناسایی منطقه فاو پرداختند و همزمان با عملیات فاو تک‌های پشتیبانی برای گمراه کردن دشمن در مناطق دیگر اجرا شد. محور اصلی بحث ما در شرح عملیات فاو به طرح ریزی برای این عملیات و عملیات‌های محدود و همچنین چگونگی اجرای عملیات و تک پشتیبانی هم زمان با این عملیات محدود می‌شود. البته پیش از طرح بحث باید اوضاع نیروهای مسلح کشور، وضعیت فرماندهی این نیروها اعم از سپاه و ارتش و اوضاع سیاسی کشور را قبل از این عملیات بررسی کنیم.

### ۳-۱- شرایط سیاسی و نظامی قبل از عملیات والفجر ۸

پس از آنکه نتایج مدنظر ارتش و سپاه در عملیات خیبر و بدر به دست نیامد دشمن به واسطه‌ی رسانه‌های غربی سعی بر این داشت تا خود را پیروز میدان نبرد نشان دهد و در عین حال با اینکه خود را پیروز می‌دانست دم از صلح می‌زد صلحی که تحمیلی بود و هیچ‌گونه امتیازی در آن برای ایران لحاظ نشده بود و فقط آتش بس رخ می‌داد و متجاوز مشخص نمی‌شد و غرامتی هم به ایران پرداخت نمی‌کردند.

رژیم بعث از ابتدای سال ۱۳۶۴ جنگ شهرها را در دو مرحله به اجرا رساند، یکی تا قبل از آمدن نماینده‌ی سازمان ملل به ایران و مرحله‌ی دوم بعد از سوء قصد به جان امیر کویت آغاز کرد که تا ۲۵ خرداد ماه (روز قدس) ادامه پیدا کرد. هم زمان با این حملات به کشتی‌های نفت‌کش و پایانه‌های نفتی ایران در خلیج فارس حمله می‌کرد.

علاوه بر این مشکلات اقتصادی و کاهش فروش نفت در این سال و همچنین شروع حملات موشکی و هواپیماها به تهران توسط عراق فشارهای زیادی را به مردم و دولت‌مردان وارد می‌آورد برخی از دولت‌مردان عدم کسب یک پیروزی استراتژیک را عامل بروز این مشکلات می‌دانستند و این مسئله سپاه و ارتش را تحت فشار قرار می‌داد. نیروهای مسلح در آن زمان امکانات لازم برای به دست آوردن یک پیروزی بزرگ و خاتمه‌ی جنگ به واسطه‌ی آن را نداشتند، بنابراین فرماندهی سپاه معتقد بود با شرایط فعلی امکان ادامه‌ی جنگ وجود ندارد و بایستی مسئولان با مسئله‌ی جنگ به عنوان اصلی‌ترین مشکل کشور که تمام امکانات را معطوف خود کند، بنگرند. از طرفی دولت وقت نیز به سختی مایحتاج و نیازهای جنگ را تأمین می‌کرد و با وضعیت اقتصادی بسیار دشواری روبه‌رو بود. برای حل این مشکل و پیدا کردن راهکار آیت الله خامنه‌ای و آیت الله رفسنجانی به نزد امام رفتند، نظر امام ادامه‌ی جنگ به صورت قاطع تا سقوط صدام بود. بنابراین نظر امام، از سپاه و ارتش خواسته شد تا هر کدام طرح‌های عملیاتی خود را ارائه دهند. (اردستانی ۱۳۸۷، ۱۴۹ تا ۱۵۱)

### ۲-۳- تغییر استراتژی

امام با تأکید بر لزوم ادامه‌ی جنگ تا سقوط صدام باعث تغییری اساسی در استراتژی نیروهای مسلح و دولت برای ادامه‌ی جنگ شد تا آن زمان دولت و نیروهای مسلح به دنبال گرفتن یک پیروزی بزرگ برای پایان دادن به جنگ از طریق دیپلماسی و کارهای سیاسی بودند بعضی در واقع این پیروزی بزرگ را به عنوان پشتوانه‌ی مذاکرات می‌نگریستند و برنامه‌ریزی دراز مدت برای جنگ و افزایش مرحله به مرحله‌ی توان رزمی کشور مدنظر نبود. با سخنان امام در مورد لزوم ادامه‌ی جنگ بین فرماندهان و مسئولان نظام جلساتی شکل گرفت که طی آن بر ناکارآمد بودن استراتژی جنگ محدود و به دست آوردن یک پیروزی برای پایان جنگ اذعان شد. چرا که این استراتژی باعث شتابزدگی شده و مانع از تصمیم‌گیری صحیح و آمادگی برای جنگ طولانی مدت می‌شود.

فرماندهان سپاه برای تغییر صحنه‌ی نبرد به نفع جمهوری اسلامی علاوه بر تغییر استراتژی که به آن اشاره شد ایجاد فرماندهی واحد و گسترش سازمان رزم و همچنین افزایش توان لجستیکی و نیروی انسانی را ضروری می‌دانستند. (اردستانی ۱۳۸۷، ۱۵۱ و ۱۵۲)

در خصوص لزوم افزایش توان نظامی باید گفت که فرماندهان سپاه ادامه‌ی جنگ با توان موجود را غیر ممکن می‌دانستند و توان فعلی را برای ادامه‌ی جنگ با محوریت دیپلماسی نیز کافی نمی‌دانستند چرا که دشمن در این زمان بسیار قدرتمندتر از اوایل حمله‌ی خود به ایران شده بود. بنابر گزارش آنتونی کردزمن کارشناس نظامی آمریکا، عراق در طول سال‌های ۱۳۶۲ تا ۱۳۶۴ مبلغ ۱۸۱۱ میلیارد دلار سلاح و تجهیزات نظامی خریداری کرده است، این کارشناس نظامی مجموع نیروهای مسلح عراق شامل نیروهای نظامی ثابت به همراه حشد الشعبی را حدود یک میلیون و پانصد هزار نفر برآورد کرده است. کردزمن آمار تجهیزات اصلی ارتش عراق را اینگونه گزارش کرده است:

- تانک ۴۸۲۰ دستگاه
- خودروهای زرهی ۳۲۰۰ دستگاه
- توپخانه‌ی سنگین ۳۰۰۰ قبضه
- توپ پدافند هوایی بیش از ۴۰۰ قبضه
- خودروی تانک‌بر ۲۰۰۰ دستگاه
- هواپیمای عملیاتی ۵۸۰ فروند
- هلی‌کوپتر ۳۸۰ فروند

آنتونی کردزمن آمار تجهیزات ایران را نیز در همین سال اینگونه بیان می‌کند:

- تانک ۱۰۵۰ دستگاه
- خودروهای زرهی ۱۲۴۰ دستگاه
- توپخانه‌ی سنگین ۱۰۰۰ قبضه
- هواپیمای عملیاتی ۹۵ فروند
- هلی‌کوپتر ۳۹۰ فروند (مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ ۱۳۸۲، ۱۴ و ۱۹)

همان گونه که آمار نشان می‌دهد از نظر میزان تجهیزات، ارتش عراق ۴ الی ۵ برابر بیش از ارتش ایران صلاح در اختیار دارد. در سال ششم جنگ در وضعیتی که دشمن حدود ۵۵۰ گردان نیروی پیاده در اختیار داشت و برای مقابله با عملیات آفندی از ۳۰۰ گردان نیروی آزاد برخوردار بود، سپاه تنها ۸۰ گردان نیرو برای ۷ روز جنگ در اختیار داشت. این در حالی است که بر اساس تجزیه و تحلیلی که معاون عملیات فرماندهی کل سپاه غلامعلی رشید به عمل آورده و در تاریخ ۱۳۶۴/۲/۲۵ ارائه داده است. ارتش عراق بر پایه‌ی سازمان و نیروی انسانی و تجهیزاتی که در اختیار داشت از توانایی‌های زیر برخوردار بود:

- دشمن در هر زمان توانایی جابه‌جایی ۲ لشکر پیاده را در هر منطقه دارد. یک تیپ پیاده را در عرض ۲۴ ساعت جابه‌جا می‌کند.
- دشمن در هر زمان دارای ۵ لشکر زرهی و مکانیزه است که در عرض ۴ تا ۵ روز قابلیت مانور و جابه‌جایی سریع را دارد.
- دشمن در هر زمان توانایی تمرکز ۴۰ گردان توپخانه را برای مقابله با نیروهای مهاجم دارد.
- دشمن توانایی اداره‌ی دو عملیات همزمان به وسعت ۳ تا ۴ لشکر را دارد.
- دشمن در برابر عملیات آفندی‌ها با ۱۰۰ گردان می‌تواند با ۳۰۰ گردان مقابله کند. (مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ ۱۳۸۲، ۱۴ و ۱۵)

### ۳-۳ تغییر در فرماندهی

در زمان شروع حملات ارتش عراق به میهنمان، در بادی امر ارتش به عنوان مهمترین سازمان برای مقابله با دشمن متجاوز محسوب می‌شد و سپاه پاسداران به دلیل تازه تأسیس بودن در جبهه‌های جنوب در حاشیه قرار داشت، اما در منطقه‌ی کردستان به دلیل شرایط خاص آن ناحیه نقش تعیین‌کننده‌ای داشت. در دوران ریاست جمهوری بنی صدر توجهی به سپاه به عنوان یک نهاد نظامی نمی‌شد. در این دوران چند عملیات توسط ارتش به فرماندهی بنی صدر انجام شد که به دلیل پیروی از شیوه‌ی کلاسیک موفقیتی در پی نداشت. با برکناری بنی صدر از فرماندهی کل قوا و سپس عزل او از ریاست جمهوری فرصت برای حضور عناصر انقلابی فراهم شد. با موفقیتی که در عملیات خمینی روح خدا توسط نیروهای ارتش با همکاری نیروهای سپاه به دست آمد، سپاه بیشتر مورد توجه قرار گرفت. همکاری سپاه و ارتش در این دوران تا بعد از فتح خرمشهر به گونه‌ای بود که فرماندهی عملیات‌ها به صورت مشترک صورت می‌گرفت و سپاه و ارتش تحت فرماندهی واحد مشترکاً عملیات انجام می‌دادند، اما بعد از فتح خرمشهر اختلاف نظرها بین ارتش و سپاه در خصوص شیوه‌ی اجرای عملیات بروز کرد. با وجود این اختلافات همکاری ارتش و سپاه به شکل گذشته از عملیات رمضان تا عملیات والفجر ۴ ادامه پیدا کرد. وجود این اختلافات باعث عدم کسب نتایج رضایت بخش در طول این رشته عملیات بود. بنابراین به درخواست سپاه و با دستور امام یک فرماندهی کل در جنگ به فرماندهی آقای هاشمی رفسنجانی شکل گرفت، که به دستور آقای هاشمی رفسنجانی قرارگاه مرکزی خاتم‌الأنبیاء تشکیل شد. این قرارگاه دارای دو قرارگاه تابعه با نام‌های نجف و کربلا بود که نیروهای سپاه تابع قرارگاه نجف و نیروهای ارتش تابع قرارگاه کربلا بودند. در این شکل از فرماندهی جنگ استقلال ارتش و سپاه از یکدیگر بیشتر شد اما کاملاً مستقل نشده بودند، در این شیوه ارتش و سپاه یگان‌هایی را در اختیار یکدیگر قرار می‌دادند و به طور همزمان یک عملیات را شروع می‌کردند. سپاه از یک ناحیه و ارتش هم از ناحیه‌ی دیگری، اما در یک منطقه‌ی عملیاتی فعالیت می‌کردند که نمونه‌ی بارز این شیوه از فرماندهی را می‌توان در عملیات خیبر مشاهده کرد. بعد از عملیات خیبر مقرر شد که ارتش و سپاه طرح‌های عملیاتی خود را ارائه دهند. طرح هر کدام از سازمان‌ها مورد قبول واقع شد و تصویب شد، سازمان دیگر را تحت امر می‌گیرد و فرماندهی عملیات را بر عهده خواهد گرفت. ارتش طرح عملیات در کوشک و زید و عبور از اروند (والفجر ۸ انجام نشده) را ارائه داد که به دلیل ابهامات فراوان متوقف شد. سپس سپاه طرح تکرار عملیات خیبر را پیشنهاد کرد که تصویب شد و مقرر شد ارتش برای انجام عملیات بدر تحت امر سپاه فعالیت کند. بعد از آنکه عملیات بدر به اهداف خود دست نیافت، ارتش برای انجام عملیات کمیل فرماندهی را بر عهده گرفت اما به دلیل ضعف‌های گوناگون این عملیات انجام نشد.

بعد از عملیات کمیل عملیات قادر توسط ارتش انجام شد، این آخرین عملیاتی بود که ارتش و سپاه با تحت امر قرار گرفتن یگان‌هایی از یکدیگر، عملیات انجام می‌دادند که در نهایت این عملیات نیز با شکست مواجه شد. عملیات قادر در منطقه‌ی سیدکان کردستان عراق رخ داد و این آخرین عملیاتی بود که در آن ارتش نقش مؤثری داشت، زیرا از این پس با جدا شدن ارتش و سپاه از یکدیگر، سپاه به سازمانی تعیین‌کننده در جنگ تبدیل شد و مسئولیت جنگ را بر دوش کشید. در همین سال یعنی در تاریخ ۲۶ شهریور ۱۳۶۴ با تشکیل سه نیروی زمینی، دریایی و هوایی سپاه به دستور امام باعث تقویت این سازمان شد.

در واقع قبل از اجرای عملیات والفجر ۸ سپاه به طور کامل از ارتش مستقل شده بود. البته گاهی کمک‌های مختلفی در حوزه‌ی آتش توپخانه، هوانیروز و نیروی هوایی از ارتش گرفته می‌شد. (اردستانی ۱۳۸۷، ۱۶۰ تا ۱۶۲)

### ۳-۴- عملیات‌های محدود در تابستان ۱۳۶۴

عملیات بزرگ و اصلی در سال ۱۳۶۴ عملیات فاو بود که طرح آن در اواخر بهار همین سال مورد بحث قرار گرفت اما با بررسی‌های صورت گرفته مشخص شد که اجرای این عملیات نیازمند زمان بیشتری برای آماده سازی منطقه و طرح ریزی عملیات است. به همین منظور به موازات آماده سازی و طرح ریزی عملیات اصلی یک رشته عملیات محدود نیز در تابستان همین سال اجرا شد که فواید زیادی داشت. از جمله عواملی که اجرای این رشته عملیات محدود را ضروری جلوه می‌داد عبارت بودند از:

۱. لزوم حفظ آمادگی نیروها: تجربه ثابت کرده است نیرویی که عملیات نکند فرسوده خواهد شد.
۲. لزوم گرم نگه داشتن جبهه‌ها که باعث تقویت روحیه‌ی رزمندگان و مردم می‌شد.
۳. اجرای عملیات محدود به تعداد زیاد باعث سردرگمی دشمن شده و نمی‌تواند عملیات اصلی را از عملیات محدود باز شناسد.
۴. عملیات محدود باعث کاهش حساسیت دشمن می‌شود به گونه‌ای که هر عملیاتی که رخ می‌دهد، فکر می‌کند این هم یک عملیات محدود است.



۵. اجرای متعدد عملیات محدود باعث گم شدن عملیات اصلی در بین عملیات محدود می‌شود، یعنی دشمن نمی‌تواند تشخیص دهد کدام عملیات اصلی و کدام عملیات محدود است و این باعث غافلگیری دشمن می‌گردد.

۶. یکی دیگر از فواید اجرای تعداد زیاد عملیات محدود این است که دشمن مجبور است در سراسر خط مرزی نیروهای خود را آماده نگه دارد و نیرویی را ذخیره نکند، زیرا وقتی نیروی ذخیره کافی در اختیار دارد، نیروهای خودی در هر نقطه‌ای عملیات کنند با نیروهای ذخیره و تازه نفس نیروهای خودی را از پای در می‌آورند. (اردستانی، ۱۳۸۷، ۱۶۳ تا ۱۶۵)

پس از مطرح شدن ضرورت عملیات محدود در ۳۰ خرداد ۱۳۶۴ همه‌ی قرارگاه‌ها موظف شدند در منطقه‌ی خود محل‌هایی را برای عملیات محدود و یا نفوذی تعیین کنند، محور اصلی این رشته عملیات عبارت بودند از:

- در جنوب: جزایر ام الرصاص، قلعه و سهیل در اروند رود، نقاطی در هور مانند البیضه و یا برخی کمین‌های موجود در هور، زید و نقاط دیگر
  - در جبهه‌ی میانی: مناطقی از جمله کانی شیخ، چنگوله و قلعه آویزان
  - در منطقه‌ی غرب: محورهای نوسود، چوارتا و غرب سورن و محور قصر شیرین
- در مجموع طی ۱۲۰ روز عملیات از ابتدای تابستان ۱۳۶۴ تلفات زیادی به دشمن وارد شد و آسرای زیادی نیز از آنها گرفته شد. این رشته عملیات که با نام قدس و عاشورا شناخته می‌شد، علاوه بر افزایش روحیه‌ی نیروهای خودی و فشار بر نیروهای دشمن جبهه را از حالت رکود خارج کرده و باعث کادرسازی و تقویت نیروهای سپاه می‌شد. به گونه‌ای که تبلیغات گسترده برای این رشته عملیات باعث سرازیر شدن خیل عظیمی از رزمندگان به جبهه می‌شد.
- این رشته عملیات محدود که اجرا شد در راستای دستور امام خمینی (ره) مبنی بر گرم نگه داشتن جبهه‌ها و آسوده نگذاشتن دشمن و نیز برخی هدف‌های سیاسی- نظامی صورت گرفت که به میزان قابل ملاحظه‌ای مؤثر واقع گردید و ابتکار عمل جبهه‌ی خودی و انفعال دشمن همچنان حفظ شد. (اردستانی، ۱۳۸۷، ۱۶۶ تا ۱۶۸)

### ۳-۵- طرح ریزی عملیات والفجر ۸

از اواخر بهار سال ۱۳۶۴ برنامه ریزی برای عملیات گسترده والفجر ۸ آغاز شد. محدوده‌ی این منطقه‌ی عملیاتی از مرز کوشک در جنوب اهواز تا شلمچه و از خسروآباد تا رأس البیشه بود. قرارگاه خاتم الأنبیا عملیات در منطقه‌ی کوشک تا شلمچه را به ارتش واگذار کرد و اجرای عملیات در منطقه‌ی فاو را به سپاه سپرد. این اولین باری بود که هر یک از این سازمان‌ها به صورت جداگانه و بدون استفاده از یگان‌های یکدیگر در مناطق مورد علاقه‌ی خود به اجرای عملیات می‌پرداختند.

به دلیل عدم موفقیت ارتش در شکستن مواضع قوای دشمن در شلمچه عملیات والفجر ۸ فقط به عملیاتی که سپاه در منطقه-ی فاو انجام داده اطلاق می‌شود.

به دلیل اهمیت و حساسیت منطقه‌ی فاو، برنامه ریزی، طرح ریزی و آماده سازی برای عملیات والفجر ۸ توسط سپاه پاسداران ۹ ماه طول کشید. در این مدت فرماندهی سپاه و ستاد ایشان جلسات متعددی را با فرماندهان رده‌های مختلف و همچنین جهاد سازندگی برگزار می‌کردند تا از اجرای صحیح مانور طراحی شده اطمینان حاصل کنند. (عالایی، ۱۳۹۳، ۱۴۴ و ۱۴۵)

برای انجام یک عملیات بزرگ و موفق همه‌ی جوانب باید مورد ملاحظه‌ی دقیق قرار می‌گرفت. از این رو ابعاد مختلف زمین منطقه توسط کارشناسان مربوطه به دقت بررسی گردید و سرانجام به دلیل اهمیت نظامی و سیاسی فاو از یک طرف و عدم وجود سابقه‌ی عملیات عبور از اروند و جزر و مدهای بالای آن، عدم هوشیاری و توجه دشمن به اقدامات آماده سازی نیروهای خودی، امکان پدافند و حفظ و نگهداری منطقه از طرف دیگر باعث شد تصمیم به اجرای عملیات در این سرزمین اتخاذ گردد. تسخیر منطقه‌ی فاو از طریق عبور از رودخانه‌ی خروشان اروند با بهره‌گیری از حدود یکصدو چهل گردان نیرو از سوی سپاه پاسداران، هدفی بود که در طرح عملیات والفجر ۸ قرار گرفت.

در میان تاکتیک‌های مختلف عملیاتی و شیوه‌های گوناگون رزم، عملیات آبی- خاکی به ویژه عبور از رودخانه پیچیده‌ترین نوع تحرکات نظامی است آن هم در رودخانه‌ای با مشخصات اروند که دارای جریان جزر و مد شدید در طول شبانه روز بوده، به طوری که عرض رودخانه بین ۵۰۰ تا ۲۰۰۰ متر در ۲۴ ساعت متغیر است و شدت جریان آن در ساحل، وسط و عمق آب متفاوت است. لازمی عبور از چنین رودخانه‌ای انجام محاسبات دقیق جریانات آب، اتخاذ تاکتیک‌های مناسب در عبور نیروی پیاده و شکستن خط، طراحی عبور وسایل سنگین، ساحل سازی برای نقل و انتقال است و نصب پل‌های مناسب را می‌طلبد که این امر با توجه به حساسیت‌های عملیات نیاز به دقت و رعایت حفاظت، توأم با سرعت عمل داشت. انجام محاسبات دقیق بر روی رودخانه‌ی اروند و دیگر محاسبات جغرافیایی و نظامی در طول ۹ ماه از بهار ۶۴ تا بهمن ماه انجام شد. (جزایری، ۱۳۸۳، ۴۹ تا ۵۱)

با توجه به اطلاعات به دست آمده از زمین منطقه چهار مرحله برای انجام عملیات در نظر گرفته شد:

۱. عبور از رودخانه و شکستن خط و پاک سازی سرپل به دست آمده

۲. تصرف شهر فاو، رسیدن به خور عبدالله و استقرار در مثلثی شمال شهر که از تقاطع سه جاده البحار، فاو- بصره و جاده- ی ام القصر به وجود آمده بود. همچنین استقرار در پایگاه دوم موشکی در شمال غربی شهر فاو، می‌بایستی در همین مرحله تحقق می‌پذیرفت این نقطه برای داشتن جناح از دشمن بسیار مهم تلقی می‌شد.

۳. پیشروی تا ابتدای کارخانه‌ی نمک و تشکیل خط دفاعی به موازات این نقطه از ساحل تا خور عبدالله

۴. رسیدن به زمین انتهایی کارخانه نمک و کانال انتهایی کارخانه واقع بر روی جاده‌ی ام القصر تا ساحل رودخانه

مرحله بندی عملیات والفجر ۸ که آن را بیان کردیم بخشی از مباحثی بود که در طرح ریزی عملیات والفجر ۸ در مورد آن بحث و کارشناسی انجام شد. مسائلی همچون عملیات عبور غواص‌ها از رودخانه، عملیات شکستن خط و پاکسازی سر پل به دست آمده، توسعه در عمق

در مورد عملیات عبور غواص‌ها از رودخانه آموزش و تمرین‌های زیادی انجام شد. این اقدامات برگرفته از عملیات بدر بود. از همین رو باید گفت در طرح ریزی این عملیات دو عامل بسیار مؤثر بودند:

- تجارب عملیات بدر
- پیچیدگی‌ها و ویژگی‌های خاص این عملیات

در مورد عبور غواص‌ها علاوه بر بررسی‌های جغرافیایی منطقه و بررسی وضعیت آب و هوایی این منطقه طی ۲۰ سال گذشته به تمرین و چگونگی عبور غواص‌ها از رودخانه پرداخته شد، از جمله نگرانی‌های اصلی در این مورد تأثیر جریان آب بر حرکت غواص‌ها و دور شدن آنها از هدف واگذار شده به آنها بود. به گونه‌ای که بسیاری از فرماندهان معتقد بودند عبور از این رودخانه امکان پذیر نیست، چرا که بنا بر ارزیابی‌های انجام شده، نیروی خطشکنی که بخواهد از عرض رودخانه عبور کند و به نقطه‌ی روبه‌رو برود بر اثر شدت جریان آن ۵ تا ۶ کیلومتر جابه‌جا می‌شود. این نگرانی‌ها تا اندازه‌ای صحیح و به جا بود اما پی‌گیری و تلاش نیروها موجب غلبه بر این نگرانی‌ها شد.

در عملیات‌های بزرگی که پس از فتح خرمشهر انجام شد همواره میان عمق بخشیدن به عملیات و توان موجود از یک سو و هم‌آهنگی پیشروی با پشتیبانی عملیات از لحاظ مهندسی از سوی دیگر، تعارضی وجود داشت. در این عملیات نیز توسعه در عمق و استمرار عملیات مورد توجه قرار گرفت.

فرمانده سپاه در این خصوص ضمن اطمینان از غافلگیری دشمن بر استمرار عملیات و عدم تأخیر در حرکت‌های بعدی گفت: (اگر در آن طرف دشمن آماده نبود و ما هم لودر و بلدوزرمان از آب عبور نکرده بود ولی تانک در دست داشتیم باید برویم تا مرحله چهارم). (اردستانی ۱۳۸۷، ۱۶۹ تا ۱۷۲)

### ۳-۶- مشکلات برنامه‌ریزی عملیات

یکی از مشکلات مهم برنامه‌ریزی برای عملیات مخالفت برخی از فرماندهان با اجرای این عملیات بود که در طرح ریزی این عملیات از یگان‌هایی که فرماندهان آنها با اجرای عملیات مخالف بودند استفاده نشد. اگر بخواهیم بر اساس مراحل اجرای عملیات مشکلات آن را بررسی کنیم، اولین مشکل مسئله‌ی عبور غواص‌ها از رودخانه بود. همان طور که شرح داده شد رودخانه‌ی اروند که بزرگ‌ترین رودخانه ایران محسوب می‌شود و از به هم پیوستن سه رودخانه‌ی فرات، کارون و کرخه تشکیل می‌شود. به دلیل پیوستن به دریا (خلیج فارس) دارای چند نوبت جزر و مد در طول شبانه روز می‌باشد. علاوه بر جزر و مد جریان آب در این رودخانه بسیار شدید است، و شدت آب در عمق نسبت به سطح یا بین رودخانه بیشتر است. جزر و مد آب به گونه‌ای است که اگر نیروهای غواص در هنگام عبور از رودخانه با شرایط جزر و مد روبه‌رو می‌شدند باید حدود ۱۰۰ تا ۲۰۰ متر سینه‌خیز روی باتلاق‌ها و موانع موجود در آنها عبور می‌کردند، که در این صورت شکستن خط دشمن غیر ممکن بود. بنابراین آگاهی دقیق از زمان جزر و مد بسیار ضروری بود که با مطالعات فراوان نیروهای خودی توانستند به آن دست پیدا کنند. مسئله‌ی شدت آب رودخانه نیز با ابتکار نیروهای خودی حل شد. همان گونه که گفتیم شدت آب در عمق رودخانه بسیار بیشتر از سطح آن است، به همین دلیل نیروهای خودی برای عبور از این رودخانه در سطح آب غواصی می‌کردند تا بر شدت جریان آب غلبه کرده و از رودخانه عبور کنند.

عملیات عبور از موانع مصنوعی و شکستن خط اول دشمن و پاکسازی سر پل به دست آمده و توسعه‌ی آن به منظور ادامه‌ی عملیات مسئله‌ی دیگری بود که در برنامه‌ریزی باید به آن توجه می‌شد. پس از این مرحله وارد کردن عمده قوا برای رسیدن به اهداف مورد نظر که نیاز به انواع قایق و واحدهای شناوری کافی و مطمئن داشت آغاز می‌گردید. سپس توسعه و گسترده‌ی یگان‌ها در عمق مواضع ارتش بعثی و استفاده از موفقیت‌های به دست آمده به منظور تثبیت اهداف از مسائل مهم بود. آنگاه چگونگی پدافند یگان‌ها و مقابله با پاتک‌های تعجیلی و با فرصت دشمن برای حفظ منطقه‌ی تصرف شده از مسائل و مشکلات اساسی بود.

انتقال انواع ماشین آلات همزمان با عبور عمده‌ی نیروها، از مسائل مهم پشتیبانی بود. پس از آن نیز احداث خاکریزهای مناسب برای ایجاد خط دفاعی در مقابل دشمن از اولویت‌های ویژه‌ی برخوردار بود، عدم ورود به شهر فاو و دور زدن آن برای

آسیب ندیدن غیر نظامیانی که در داخل شهر احتمالاً حضور داشتند، در برنامه‌ی عملیات قرار گرفت. البته پس از تصرف شهر مشخص شد که به غیر از نظامیان بعضی کسی آنجا نبوده است.

ایجاد اسکله‌ها و حوضچه‌های نگهداری قایق‌های انتقال نیروها و همچنین احداث پل‌های شناور برای عبور هر لشکر از عمده مسائلی بود که در طرح ریزی و پشتیبانی عملیات مدنظر بود. (علایی ۱۳۹۳، ۱۷۰ تا ۱۷۲)

در طرح مانور، مأموریت مرحله اول و عبور از اروند بر عهده‌ی لشکر ۷ ولی عصر (عج)، ۵ نصر، ۴۱ ثار الله، ۱۹ فجر، ۳۱ عاشورا، ۲ کربلا، ۱۴ امام حسین (ع)، تیپ‌های ۴۴ قمر بنی هاشم (ع)، ۳۳ المهدی (عج) بود.

در واقع عملیات فاو، صحنه‌ی بروز تمام قابلیت‌های نظامی و ابتکار عمل سپاه و نیز خطرپذیری این سازمان برای پیشبرد اهداف انقلاب بود. در طرح مانور چند مسئله مهم وجود داشت که در مورد آنها ساعت‌ها بحث کارشناسی صورت گرفت، اهم این مسائل عبارت بودند از:

۱. آگاهی از چگونگی و حالت‌های خاص آب اروند در هفته، شبانه روز و ساعت‌های خاص
۲. عملیات عبور غواص‌ها از رودخانه
۳. عملیات شکستن خط و پاکسازی سر پل به دست آمده
۴. مرحله بندی عملیات
۵. توسعه در عمق
۶. که در مورد مسائل فوق قبلاً توضیحاتی را ذکر کردیم. (اردستانی ۱۳۸۷، ۱۷۰)

### ۳-۷- وضعیت جغرافیایی منطقه‌ی عملیات والفجر ۸

شبه جزیره‌ی فاو بین رودخانه‌ی اروند واقع در جنوب استان خوزستان و خلیج فارس و خور عبدالله نزدیک مرز کویت محصور شده است و فقط از طریق نواحی شمال و شمال غربی که به بصره و ام القصر می‌رسید به خشکی راه دارد. این منطقه تحت تأثیر جزر و مد آب خلیج فارس و رطوبت دائم و شرجی حاصل از آن و نیز نهرهای منشعب از اروند رود قرار دارد، به همین دلیل قسمت عمده‌ی آن زمین منطقه عملیات، با تالاقی و نمکزار وسست بوده و برای تردد خودروها و نیز تانک‌ها و نفربرها و حرکت ستون‌های زرهی و نیز مانور یگان‌های پانک کننده‌ی دشمن مناسب نیست.

کناره‌ی اروند پوشیده از نخلستان‌هایی بود که با جزر و مد آب اروند به وسیله‌ی نهرهایی که حفر شده بود آبیاری می‌شدند. به دلیل باتلاقی بودن زمین منطقه تنها از طریق سه جاده‌ی آسفالت‌نیروهای زرهی و پیاده‌ی دشمن می‌توانستند عبور و مرور کنند که همین مسئله باعث ازدحام نیروها بر روی این سه جاده و آسیب پذیری بیشتر آنها می‌شد. این سه جاده شامل جاده‌ی رأس البیشه به ام القصر (جاده‌ی ساحلی)، جاده‌ی فاو-البحار و همچنین جاده‌ی استراتژیک فاو-بصره بودند.

همچنین در این منطقه کارخانه‌ی نمکی وجود دارد که با داشتن سیل‌بندهای متعدد مهمترین عارضه در این منطقه محسوب می‌شود. زمین در اطراف این کارخانه باتلاقی بوده و در دیگر نقاط نیز نمکزار است که در صورت بارندگی به شدت لغزنده می‌گردد و امکان تردد وسایل نقلیه را غیر ممکن می‌سازد. منطقه‌ی فاو به دلیل شبه جزیره‌ای بودن، دارای آب و هوای مرطوب یا همان شرجی است. زمین این منطقه از نظر ناهمواری به جز عوامل مصنوعی مانند خاکریز، سیل بند و سکوها‌ی پرتاب موشک، خالی از هر گونه پستی و بلندی طبیعی است.

در ساحل اروند پوششی از چولان و بوته‌های بلند و نی وجود دارد، که هر چه رودخانه به سمت دهانه اروند نزدیک‌تر می‌شود عمق چولان افزایش می‌یابد. در برخی از نقاط که فشار آب بر روی ساحل زیاد است، ساحل فاقد پوشش گیاهی می‌باشد. در ساحل ارتفاع چولان‌ها حداکثر ۱/۵ متر و ارتفاع نیزارها ۳-۴ متر است. به گونه‌ای که فرد به راحتی می‌تواند خود را در میان آن مخفی کند. عمدتاً زمین این قسمت‌ها سست بوده و به سختی قابل تردد است. به گونه‌ای که در برخی مواقع انسان تا زانو در گل فرو می‌رود. گذشته از چولان و نیزار، نخلستان بزرگ در ساحل خودی و دشمن که عمق آن بیش از ۲ تا ۵ کیلومتر متغیر است، وجود دارد. این نخل‌ها به وسیله‌ی کانال‌ها و نهرهای مصنوعی عمود بر رودخانه اروند با بالا آمدن آب به دلیل مد، آبیاری می‌شوند. (احمدپور ۱۳۸۶، ۲۳۸ تا ۲۴۱)

یکی از عواملی که باعث انتخاب منطقه‌ی فاو به عنوان منطقه‌ی عملیاتی شد، این بود که ارتش بعثی عراق با تفکر کلاسیک هرگز تصور نمی‌کرد که ایرانی‌ها از مانع مهمی مثل رودخانه‌ی اروند عبور کنند. آنها فکر می‌کردند به دلیل تحرکات ایران در منطقه‌ی هوالهویزه عملیات بعدی ایران در این ناحیه خواهد بود. حتی زمانی که برخی از افسران ارتش عراق از تحرکات ایرانی‌ها در فاو به فرماندهان بلندپایه گزارش می‌دادند. آنها به این موضوع بی‌اعتنا بودند و معتقد بودند که ایرانی‌ها اگر در این ناحیه حمله کنند فقط یک عملیات محدود است. در واقع می‌پنداشتند که تک ایران در منطقه‌ی فاو یک عملیات فریب است و عملیات اصلی ایران در هور انجام می‌شود.

از جمله عوامل دیگری که باعث انتخاب این ناحیه به عنوان منطقه‌ی عملیاتی شد، ضعف خطوط دفاعی دشمن در این منطقه بود. دشمن با توجه به دیدگاه کلاسیکی که به مسئله‌ی جنگ داشت، ارون رود را یک مانع غیر قابل عبور می‌دانست، به همین دلیل یگان‌های خود را در مناطق دیگر مستقر کرده بود. اهداف تعیین شده در عملیات والفجر ۸ بسیار کم عمق بود و در همان شب اول حمله، می‌شد به تمام اهداف تعیین شده دست یافت. همچنین نزدیک بودن به عقبه‌ی خودی و امکان اجرای آتش گسترده‌ی توپخانه بر روی جاده‌های مواصلاتی به فو از دیگر ویژگی‌های مثبت منطقه برای انجام عملیات محسوب می‌شود.

از طرفی به دلیل شبه جزیره‌ای بودن زمین منطقه دو جناح امن برای نیروهای تک کننده به وجود می‌آمد یکی ساحل اروند و خلیج فارس بود که کاملاً تحت کنترل نیروهای خودی بود و دیگری ساحل خور عبدالله بود که امکان تک دشمن در این ناحیه بسیار کم بود و نیروهای خودی تنها در یک جبهه و یک پشتیبانی با نیروهای دشمن وارد جنگ می‌شدند. باتلاقی بودن منطقه مانع از حرکت نیروهای زرهی دشمن می‌شد خصوصاً اگر حمله در فصل زمستان رخ می‌داد. از عوامل نظامی که بگذریم منطقه فو از اهمیت سیاسی و استراتژیک برخوردار بود، چرا که تنها راه دستیابی عراق به خلیج فارس محسوب می‌شد و با تصرف آن دست عراق از خلیج فارس به طور کلی قطع می‌شد و از طرفی در این شبه جزیره پایگاه‌های موشکی مستقر بودند که از طریق آنها پایانه‌های نفتی ایران و همچنین نفت‌کش‌های ایرانی در خلیج فارس مورد حمله موشکی قرار می‌گرفتند. شبه جزیره فو از طریق خور عبدالله با کشور کویت هم‌مرز بود و تصرف این شبه جزیره به منزله‌ی نوعی تهدید برای کویت و سایر کشورهای عربی بود که همواره از صدام حمایت می‌کردند.

قبل از اجرای عملیات والفجر ۸ در فو عملیات فریب توسط نیروهای سپاه در منطقه‌ی ام الرصاص اجرا شد. این عملیات به منظور فریب دشمن در تاریخ ۱۵ بهمن سال ۱۳۶۴ لشکر ویژه‌ی شهدا تیپ ۲۱ امام رضا (ع) و لشکر ۴۲ قدر از سپاه پاسداران و لشکر ۷۷ خراسان از ارتش جمهوری اسلامی ایران خود را آماده‌ی حمله به منطقه‌ی عملیاتی ام الرصاص می‌کنند و به سمت مواضع دشمن در این منطقه یورش می‌برند. رزمندگان اسلام شبانه وارد منطقه‌ی عملیاتی ام الرصاص می‌شوند و با فرا رسیدن آغاز عملیات لشکر ویژه‌ی شهدا و تیپ ۲۱ امام رضا(ع) به همراه خط شکن‌های مجرب با عبور از موانع ابتدایی و تله‌های انفجاری با سرعت زیاد بر سر دشمن فرود می‌آیند.

بر اثر بالا آمدن آب شناورهای سنگین و قایق‌های موتوری از روی موانع خورشیدی عبور می‌کنند و نیروها بدون برخورد با تله‌های انفجاری خود را به سنگرهای دشمن می‌رسانند. در همان لحظات اول مواضع دشمن محاصره و فتح می‌شوند. بعد از آن دشمن سراسیمه تعدادی نیرو روانه منطقه می‌کند آنگاه با به کار گیری آتش خمپاره و توپ و نیروی هوایی تلاش می‌کند مانع از پیشروی نیروهای ایرانی شود. در خط مقدم کار به جنگ تن به تن کشیده می‌شود، تعدادی از نیروهای عراقی کشته و زخمی می‌شوند و بقیه راه فرار را در پیش می‌گیرند.

ارتش عراق بار دیگر چاره‌ی ضعف خود را استفاده از سلاح‌های شیمیایی می‌بینند. هنگامی که دشمن حساسی درگیر و متوجه عملیات گمراه کننده‌ی ام الرصاص است، فرماندهان ایرانی به تمامی لشکرهای عمل کننده دستور عقب نشینی می‌دهند و نیروها به محل‌های از قبل تعیین شده باز می‌گردند.

فرماندهان یگان‌های جدید عراق که با تاکتیک حساب شده‌ی ایران، حوزه‌ی مأموریت خود را ترک کرده‌اند، به منطقه‌ی جدید کشانده می‌شوند و به خیال رسیدن به دروازه‌های پیروزی، در انتظار روزهای آینده برای دریافت مدال می‌مانند. ناگهان انفجار مهیب و آتش گسترده منطقه‌ی فو را در هم می‌کوبد و عراقیها در می‌یابند که فریب خورده‌اند. رزمندگان اسلام در این حمله علاوه بر گمراه کردن دشمن بعضی از عملیات اصلی والفجر ۸ در فو، خسارات و تلفات قابل توجهی نیز به دشمن وارد می‌آورند.

### ۳-۸- اجرای تک پشتیبان توسط ارتش

هم زمان با اجرای عملیات والفجر ۸ در منطقه‌ی فو عملیات بدر ۳ و خندق توسط ارتش جمهوری اسلامی انجام شد. این عملیات برای گمراه کردن دشمن انجام گرفت. زیرا فرماندهان عراقی گمان می‌کردند عملیات آینده‌ی ایران در منطقه‌ی هورالهوریزه اجرا می‌شود به همین دلیل نیروهای ارتش برای تقویت این گمان در ذهن فرماندهان عراقی تصمیم به اجرای عملیات در منطقه‌ی شلمچه گرفتند تا نیروهای سپاه بتوانند تک اصلی را در منطقه‌ی فو با موفقیت به انجام برسانند. این عملیات توسط لشکر ۲۱ حمزه، لشکر ۷۷ پیاده‌ی خراسان، لشکر ۹۲ زرهی خوزستان، لشکر ۸۱ زرهی کرمانشاه و تیپ ۵۵ هوابرد به اجرا در آمد. عملیات بدر ۳ علاوه بر فریب دشمن، در جهت تصرف جزیره‌ی بوارین انجام شد که در همان ساعات اولیه‌ی حمله نیروهای ایرانی متوقف شدند.

طرح عملیات خندق نیز به عنوان طرح پوشش و فریب برای منطقه‌ی عملیاتی فکه به اجرا درآمد که در آن نیروی زمینی ارتش نقش ارزنده‌ای در فریب دشمن داشت و عملیات پوشش و فریب نزاآ آنچنان به واقعیت نزدیک بود که دشمن منطقه‌ی فو را به عنوان محور اصلی عملیات درک نکرد.

بعد از ماه‌ها بحث و بررسی و آموزش نیروها خصوصاً نیروهای غواص، بالاخره در ساعت ۲۲:۱۰ روز ۲۰ بهمن ۱۳۶۴ با اعلام رمز، عملیات بزرگ والفجر ۸ آغاز شد.

در این زمان غواص‌ها از آب عبور کرده و شروع به شکستن خط نمودند. در زمان شروع عملیات باران شروع به باریدن کرد و دریا و اروند رود طوفانی شد. موج دوم نیروها بر روی قایق‌های تندرو در ساحل شرقی اروند رود به سمت ساحل غربی آن حرکت کردند. نیروهای غواص بعد از رسیدن به ساحل فاو شروع به پاکسازی خط نموده و با استفاده از چراغ‌های مخصوصی به نیروهای خط شکن در این سوی اروند علامت داد. و با همکاری آنها سنگرها و خطوط دشمن را در هم شکستند. نیروهای عراقی حمله‌ی برق آسای رزمندگان اسلام را به سطوح بالای فرماندهی ارتش بعث گزارش دادند. صدام حسین نیز طی پیامی خطاب به نیروهای مستقر در فاو، آنها را به مقاومت دعوت کرده و به آنها قول فرستادن سه لشکر زرهی را داد.

در جبهه‌ی مقابل شهر، لشکر ۲۵ کربلا، شهر فاو را دور زده و در قسمت شمال آن مستقر شدند. شمال شهر فاو ورودی شهر محسوب می‌شد و برای آزادسازی و حفظ این شهر نیاز بود ارتباط آن با بصره و دیگر شهرهای عراق قطع گردد.

نیروهای خودی می‌دانستند که مهمترین جناح و منطقه‌ی فاو جناح شمالی منطقه است زیرا اگر دشمن در جناح شمالی یعنی از جاده‌ی البحار حمله می‌کرد. ارتباط جبهه‌ی خودی را با نیروهایی که در شهر فاو بودند قطع می‌شد و عملیات شکست می‌خورد. بنابراین لشکر ۵ نصر و ۴۴ قمر بنی هاشم بر روی جاده‌ی البحار پیشروی کرده و در کنار این جاده مستقر شدند هم زمان پاک سازی شهر فاو نیز انجام شد. در داخل شهر فاو فقط نیروهای نظامی وجود داشتند و مردم عادی کاملاً شهر را تخلیه کرده بودند، بعد از آزادسازی شهر فاو پیشروی نیروهای خودی به سمت سه محور مواصلاتی شهر آغاز شد، جاده‌ی البحار همان گونه که گفته شد به دلیل نزدیکی به ساحل اروند رود به سرعت آزاد شد اما دو محور دیگر یعنی جاده‌ی استراتژیک فاو- بصره و جاده‌ی ام القصر در روز دوم آزاد شدند. در روز دوم عملیات نیروهای لشکر ۲۷ حضرت رسول (ص) و ۱۷ علی ابن ابی طالب (ع) در محور ام القصر و لشکرهای ۸ نجف و ۲۵ کربلا در محور جاده‌ی استراتژیک توانستند به ابتدای خط کارخانه نمک برسند با این کار خط پدافند از ساحل اروند تا ساحل خور عبدالله کامل شد، در روز اول عملیات دشمن به دلیل غافلگیری طولانی مدت و نا آگاهی نسبت اوضاع ابری بودن آسمان عکس العمل خاصی نتوانست انجام دهد و با پیشروی نیروهای ایرانی از سه محور البحار، فاو- بصره (جاده استراتژیک) و ام القصر، زنگ خطر سقوط بصره برای نیروهای عراقی به صدا درآمد بنابراین نیروهای عراقی باید در هر قسمتی از پیشروی ایرانی‌ها جلوگیری می‌کردند. درگیری بین نیروهای ایران و ارتش بعث حدود ۷۵ روز به درازا کشید. در این مدت رزمندگان اسلام در برابر وحشتناک‌ترین حملات توپخانه و بمب‌های شیمیایی مقاومت کرده و نهایتاً موفق شدند مواضع خودی را در شبه جزیره‌ی فاو تثبیت کنند. (حبیبی ۱۳۸۳، ۱۲۷)

#### ۴. تأثیر سیاسی عملیات والفجر هشت بر معادلات بین المللی

جمهوری اسلامی ایران با پیروزی در عملیات والفجر ۸ و همچنین عملیات کربلای ۵ در سال ۶۴ و ۶۵ موازنه‌ی سیاسی و نظامی جنگ را به نفع خود تغییر داد. نتایج حاصل از این تغییر توازن باعث نگرانی دول حامی عراق و قدرت‌های جهانی مثل آمریکا و شوروی از پیروزی ایران و تغییر نقشه‌ی ژئوپلیتیک منطقه شد. این نگرانی‌ها به عاملی برای دخالت آمریکا و شوروی برای پایان دادن به جنگ گردید.

ناتوانی عراق در باز پس گیری مناطق از دست رفته برای ناظران و کارشناسان نظامی یکی از عوامل اساسی و مؤثر در ارزیابی ضعف و ناتوانی نظامی و روحی نیروهای عراق و متقابلاً برتری قوای نظامی ایران به شمار می‌رفت. این وضعیت ضمن نگرانی کشورهای غربی و حتی شوروی، توجه ناظران را به احتمال دستیابی ایران به پیروزی و شکست عراق جلب کرد. برای اولین بار اوضاع جنگ این احتمال را که یک طرف حقیقتاً بر دیگری پیروز شود مطرح ساخته است.

بسیاری از تحلیلگران نظامی و دیپلمات‌های غربی پیدایش این وضعیت را سرآغاز تغییر و تحول در مواضع آمریکا و شوروی ارزیابی کردند. در این خصوص نشریه‌ی نول آبرواتور نوشت:

«اکنون بسیاری از کشورهای غربی و شوروی، با اطمینان از پیروزی امکان پذیر ایران، در برنامه‌های استراتژیک خود به ناچار تجدید نظر کرده‌اند. تعادل قوا به نحوی قاطع به نفع ایران به هم خورده است.»

ماهنامه‌ی لوموند دیپلماتیک نیز در صورت پیروزی ایران سه سناریو را در باره‌ی عراق محتمل دانست:

«شکست نظامی کامل عراق، فلج شدن تدریجی حکومت عراق ناشی از قطع کمک‌های مالی غرب که به فکر آینده‌ی رابطه با ایران هستند و بالاخره سرنگونی رژیم بغداد.»

این نشریه در ادامه نوشت:

«در هر سه مورد این جمهوری اسلامی ایران است که شرایط خود را برای صلح و حتی سلطه جویی بر عراق تحمیل کرده و بدین سان داده‌های منطقه‌ای و بین المللی را دگرگون خواهد کرد. در آن صورت جمهوری اسلامی ایران اراده‌ی خود را بر

کشورهای خلیج فارس تحمیل کرده و به سازمان اوپک استیلا خواهد یافت. سیاست نفتی را تغییر شکل داده و شماری از کشورهای عربی مانند مصر و اردن را در انزوا قرار خواهد داد.»

میتران رئیس جمهور فرانسه، درباره‌ی نتایج پیروزی ایران این گونه اظهار نظر می‌کند:

پیروزی ایران در جنگ با عراق به مثابه پیروزی تندروهای اسلامی خواهد بود که می‌تواند ثبات کل جهان عرب و مدیترانه را بر هم بزند.

حامیان عراق نمی‌خواستند با دادن امتیاز به ایران جنگ را به پایان برسانند زیرا هر گونه امتیاز به منزله‌ی پیروزی ایران بود و پیروزی ایران به عنوان الگویی برای مردم کشورهای منطقه برای قیام بر علیه دولت‌های دست‌نشانده‌ی غرب محسوب می‌شد. بنابراین دادن امتیاز به ایران و پیروزی نقشه‌ی ژئوپلیتیک منطقه را به هم می‌ریخت و نتایج مترتب بر پیروزی ایران مهمترین عامل بازدارنده غربی‌ها از دادن امتیاز به ایران و فراهم کردن مقدمات پایان یافتن جنگ بود.

با این اوصاف تنها راه برای کشورهای غربی در رأس آن آمریکا تشدید فشارهای نظامی، سیاسی و اقتصادی بر علیه ایران با هدف تحلیل توان این کشور برای ادامه‌ی جنگ بود.

حمایت از عراق و تقویت توان نظامی این کشور در همین چارچوب به نحوی گسترده تشدید شد که نتایج آن در ماه‌های پایانی جنگ در سال ۱۳۶۷ با تغییر توازن به سود عراق آشکار شد.

به طور کلی همه این اقدامات برای نا امید کردن ایران از پیروزی و راه حل نظامی برای پایان دادن به جنگ بود. (درودیان ۱۳۹۰، ۲۲ تا ۲۷)

پیروزی‌های سال ۶۴ و ۶۵ شامل فتح فاو و سپس باز پس‌گیری مهران و عملیات کربلای ۵ این اعتقاد و این اعتماد به نفس را به مردم و دولتمردان ایران داده بود که ایران می‌تواند حقوق حقه‌ی خود را از راه عملیات نظامی و موضع برتر پی‌گیری کند و برای تأمین آن پافشاری کند. شهرام چوبین عضو مؤسسه‌ی بین‌المللی مطالعات استراتژیک لندن در این باره گفت:

«من فکر می‌کنم ایرانی‌ها در مرحله‌ی جدید جنگ بعد از پیروزی‌های به دست آمده، فکر می‌کنند قادر به پیروزی هستند. در حالی که قبل از فتح فاو چنین تصویری نداشتند و پیروزی‌های به دست آمده به آنها نشان داد که می‌توانند و نیز هم اکنون برای کسب پیروزی عجله دارند.»

به طور کلی فعالیت‌های ایران و دولت مردان ایران پس از فتح فاو و کربلای ۵ بر این قرار بود که با اتکا به کسب پیروزی در عرصه نبرد تلاش‌های دیپلماتیک خود را جهت متقاعد کردن حامیان عراق برای دادن امتیاز به ایران ادامه دهند و از طرفی در سازمان ملل تلاش‌های ایران حول محور قطع نامه‌ی ۵۹۸ شروع شد تا به سرانجام مطلوبی برسد.

عراق پس از ناکامی در بازپس‌گیری مناطقی که طی عملیات والفجر ۸ و کربلای ۵ از دست داده بود، سعی بر آن داشت تا با کشاندن درگیری به خلیج فارس قدرت‌های جهانی را وادار به دخالت نظامی و سیاسی در خلیج فارس کرده و زمینه‌ی پایان دادن به جنگ را فراهم آورند. به این منظور حملاتی را بر علیه کشتی‌های نفتکش ایران و پایانه‌های نفتی ایران آغاز کرد. پیدایش موقعیت جدید سبب شد فشار بر ایران و تلاش برای ممانعت از پیروزی ایران بر عراق با افزایش حمایت‌های سیاسی، اقتصادی و نظامی از عراق به منزله‌ی منطق حاکم بر رفتار و عملکرد کشورهای منطقه و قدرت‌های بزرگ بیش از گذشته تشدید شود. در این خصوص روزنامه‌ی کیزائی ژاپن نوشت: «جنگ ایران و عراق در ماه‌های آخر به نفع ایران در جریان است و اگرچه دو ابر قدرت اعلام کرده‌اند که در جنگ بی‌طرف هستند ولی در وضعیت فعلی جنگ، تصمیم به بلوکه کردن ایران گرفته‌اند. دو ابر قدرت می‌کوشند در جنگ از پیروزی ایران علیه عراق جلوگیری کنند.» این روزنامه در تأیید این سخن از سفر هیئت بلند پایه شوروی به عراق به سرپرستی کمیته‌ی مرکزی حزب کمونیست و ملاقات با صدام که به تمدید پیمان پانزده ساله‌ی شوروی و عراق انجامید، اشاره کرد و در ادامه سفر ریچارد مورفی فرستاده‌ی ریگان رئیس‌جمهور آمریکا به بغداد را مطرح کرد.

در واقع ارتقای موقعیت برتر ایران، به احساس خطر حامیان عراق از ایران و نگرانی آنها و در نتیجه ضرورت تشدید فشار به ایران می‌افزود.

دو ابر قدرت برای پایان دادن به جنگ و حداقل جلوگیری از پیروزی ایران بر عراق به تفاهم رسیده بودند. در این خصوص می‌توان به سفر هیئتی بلند پایه از آمریکا برای ارائه‌ی پیشنهادهای به مسکو و همچنین سفر مارگارت تاچر نخست وزیر انگلستان برای بحث و گفت و گو با میخائیل گورباچف رهبر شوروی در خصوص طرح‌ها و نظریه‌های مربوط به خاتمه‌ی جنگ اشاره کرد. آمریکا و شوروی و سایر قدرت‌های اروپایی بر مسئله‌ی پایان دادن به جنگ به توافق رسیده بودند. اما بین شوروی و آمریکا بر سر نحوه‌ی اعمال تحریم بر علیه ایران و همچنین افزایش حضور نیروهای آمریکایی در خلیج فارس اختلاف وجود داشت و این باعث شد که هریک از این دو برای کسب ابتکار عمل در جنگ اقداماتی جداگانه انجام دهند که در ادامه به آن می‌پردازیم.

#### ۴-۱- موضع آمریکا پس از پیروزی‌های ایران

مواضع آمریکا در سال ۱۳۶۴ قبل از عملیات والفجر ۸ در قبال ایران تحول چشمگیری پیدا کرد و این تحول چشمگیر متأثر از شرایطی که دولت آمریکا بر آن قرار داشت و همچنین پذیرش اهمیت استراتژیک ایران برای آمریکا و کل جهان بود. دولت آمریکا در این برهه از زمان با رقیب سرسختی مثل شوروی به رهبری گورباچف روبرو بود. با روی کار آمدن گورباچف در شوروی، شوروی نیروهای خود را از افغانستان که تبدیل به باتلاقی برای این کشور شده بود خارج کرده و به دنبال توسعه نفوذ خود در دیگر کشورهای منطقه همچون ایران و عراق و سایر کشورهای عربی حوزه خلیج فارس بود. این در حالی بود که قبل از وقوع انقلاب اسلامی ایران پایگاه اصلی آمریکا در منطقه خلیج فارس محسوب می‌شد و همیشه اهمیت آن از سایر کشورهای این حوزه برای آمریکا بیشتر بود و از ایران به عنوان ژاندارم منطقه برای تسلط بر خاورمیانه استفاده می‌کرد. بنابراین با انحول یاد شده آمریکایی‌ها قبل از آنکه شوروی دست به اقدامی بزند و نفوذ خود را در حوزه خلیج فارس افزایش دهد پیش دستی کرده و به فکر برقراری روابط تازه و متفاوتی با ایران افتادند چراکه حاکمیت و نفوذ بر روی ایران به معنی حاکمیت و نفوذ بر کل منطقه خاورمیانه است. از طرفی در لبنان گروه‌های مجاهد این کشور تعدادی از نظامیان آمریکایی را گروگان گرفته بودند و دولت ریگان در آزاد کردن این گروگان‌ها عاجز بود این در حالی بود که انتخابات ریاست جمهوری آمریکا نزدیک بود و دولت ریگان قصد داشت تا با استفاده از نفوذ معنوی ایران بر روی مجاهدین این کشور گروگان‌ها را آزاد کرده و این مسئله را به عنوان یک پیروزی برای خود و دست آویزی برای انتخابات آینده مطرح کند. بنابراین دولت ریگان شورای امنیت ملی آمریکا را مأمور کرد در خصوص تجدید نظر بر روابط با ایران مطالعات لازم را به عمل آورد.

#### ۵- بحث و نتیجه گیری

عملیات والفجر ۸ از نظر تاکتیک و فنون رزمی به کار رفته، عملیاتی منحصر به فرد بود. به کارگیری تاکتیک‌ها و فنون نوین رزمی که تا آن زمان سابقه نداشت مهم‌ترین عامل برجستگی این عملیات از نظر نظامی بود. تلاش برای استخراج این فنون به کار رفته از دل حوادث تاریخی می‌تواند کمک شایانی به نیروهای مسلح کشور برای دفاع از این مرز و بوم و همچنین دفاع از انقلابی که هنوز در ابتدای راه خود قرار دارد باشد.

از نظر اهداف سیاسی این عملیات، باید گفت که افراد و گروه‌های مختلف موجود در حاکمیت جمهوری اسلامی اهداف متفاوتی را در اجرای این عملیات داشتند. هدف کلی امام خمینی (ره) به عنوان رهبر جمهوری اسلامی ایران علاوه بر گرفتن خسارات جنگ تغییر اساسی در نظام سیاسی عراق و ایجاد یک حکومت مردمی و سقوط حزب بعث و صدام در عراق بود. چنانکه موضع گیری امام در جلسه‌ای که بعد از عملیات والفجر ۸ در تاریخ ۱۳۶۴/۱۱/۲۸ با حضور مسئولان لشکری و کشوری برگزار شد، مهر تأییدی بر این ادعا است. در این جلسه فرمانده جنگ آقای هاشمی چهار فرض را برای ادامه جنگ مطرح کردند در همه فرض‌ها یا حزب بعث باید از بین می‌رفت یا صدام. اما فرض آخر مبنی بر این بود که صدام در عراق حفظ شود و ما با گرفتن غرامت جنگ را به پایان برسانیم. امام با این فرض آخر مخالفت کردند و گفتند که بر روی سه فرض دیگر بحث کنند. این در حالی بود که برخی از مسئولین وقت هدفی جز پایان دادن به جنگ نداشتند و همین اختلاف دیدگاه با رهبری انقلاب باعث شد که عملیات فاو و دیگر عملیات‌ها به نتیجه مطلوب نرسد و ما مجبور به پذیرش صلح تحمیلی در قالب قطعنامه ۵۹۸ شویم. این تفاوت دیدگاه باعث شد که از سال ۱۳۶۱ بعد از فتح خرمشهر حمایت‌های همه‌جانبه از رزمندگان و جبهه صورت نگیرد و به اندازه‌ای حمایت‌ها انجام می‌شد که نیروها بتوانند به یک پیروزی دست یابند تا بتوانند جنگ را خاتمه دهند. یعنی حمایت‌ها به گونه‌ای نبود که کشور در جنگ به یک پیروزی قطعی و نهایی مطابق با نظر امام برسد، که این عدم حمایت و کمبود امکانات در سخنان فرمانده سپاه (آقای محسن رضایی) به صورت مکرر دیده می‌شود.

عملیات والفجر ۸ و همچنین عملیات‌های سرنوشت سازی همچون کربلای ۵ که در آن امکانات بیشتری پای کار آورده شده بود. باید به فاصله اندکی پس از فتح خرمشهر انجام می‌گرفت و بعد از عملیات والفجر ۸ بلافاصله باید چند عملیات برای تعیین سرنوشت جنگ انجام می‌شد که این مسئله رخ نداد. این تأخیر در انجام چنین عملیات سرنوشت ساز و همچنین انجام نشدن عملیات مهمی با فاصله کمی از آن، همگی نتیجه اختلاف دیدگاه برخی مسئولین با اهداف سیاسی امام خمینی (ره) بود. اما درسی که این عملیات به ما داد این بود که تا زمانی که می‌توانیم در میدان نبرد پیشروی کنیم، منتظر میز مذاکره نشینیم. هر چند عملیات والفجر ۸ به عنوان ضمیمه‌ای برای تدوین قطعنامه ۵۹۸ در پایان دادن به جنگ و تا حدود اندکی به رسمیت شناختن حقوق ایران مؤثر بود. اما به دلیل تأثیر در اجرای چنین عملیات گسترده‌ای بعد از فتح خرمشهر و همچنین عدم انجام یک یا چند عملیات با فاصله کم از این عملیات نتوانست آن اهداف مد نظر امام جامعه را تأمین کند.

## منابع

۱. درودیان، محمد. ۱۳۸۳. آغاز تا پایان. تهران: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ.
۲. اردستانی، حسین. ۱۳۸۷. تجزیه و تحلیل جنگ ایران و عراق: تنبیه متجاوز بررسی تحولات سیاسی نظامی از تابستان ۱۳۶۱ تا ۱۳۶۷ جلد سوم. تهران: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ.
۳. حبیبی، ابولقاسم. ۱۳۸۳. کارنامه عملیات سپاهیان اسلام در هشت سال دفاع مقدس. تهران: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، اداره روابط عمومی و انتشارات.
۴. مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، مدیریت بهره‌وری. ۱۳۸۲. عملیات والفجر ۸: فتح فاو (طراحی، اجرا، نتایج، بازتاب‌ها) تهران: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ.
۵. علایی، حسین. ۱۳۹۳. روند جنگ ایران و عراق، جلد دوم. تهران: مرز و بوم وابسته به مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس سپاه
۶. جزایری، سید مسعود. ۱۳۸۳. شب بارانی حمله: مروری بر عملیات والفجر ۸- فتح فاو. تهران: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، اداره روابط عمومی و انتشارات.
۷. احمدپور، احمد. ۱۳۸۶. جغرافیای عملیات ماندگار دفاع مقدس. تهران: صریر
۸. محمدی، منوچهر. ۱۳۸۹. سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: اصول و مسایل. تهران: دادگستر
۹. رضایی، محسن. ۱۳۹۷. بررسی عملیات والفجر ۸. تهران: مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس.
۱۰. درودیان، محمد. ۱۳۹۰. شلمچه تا حلبچه. تهران: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ.
۱۱. اسدی، هیبت‌الله. ۱۳۸۷. ارتش در فاو "عملیات والفجر ۸". تهران: ایران سبز
۱۲. عبدی، هوشنگ. ۱۴۰۰. بر مدار مد (بررسی تأثیر عوامل برترساز توان رزم در پیروزی عملیات والفجر ۸). تهران: خط هشت.